فهرست مطالب

پیشگفتار ۹

فصل اول: مراجع قضایی در امور مدنی ۱۳

مقدمه ۱۳

مراجع قضایی عمومی در امور مدنی ۱۴

سازمان و ساختار تشکیلاتی دادگاه عمومی حقوقی ۱۵

فقدان دادگاه در یک بخش یا شهرستان و تکلیف مرجع بالاتر ۱۵

جایگاه رئیس شعبه اول دادگاه عمومی و ساختار اداری حوزه قضایی ۱۶

قلمرو محلی دادگاه عمومی و معیارهای تقسیمات کشوری ۱۷

قلمرو محلی دادگاه عمومی در بخش‌ها ۱۷

قلمرو محلی دادگاه عمومی شهرستان ۱۸

لزوم رعایت قواعد صلاحیت محلی از سوی اصحاب دعوا ۱۸

اصل صلاحیت عام دادگاه عمومی حقوقی ۱۹

استثنائات بر اصل صلاحیت عام دادگاه عمومی ۱۹

ارتباط دادگاه عمومی با دادگاه تجدیدنظر و ساختار نظارتی استان ۱۹

مراجع اختصاصی در امور مدنی ۲۰

دادگاه خانواده ۲۲

دادگاه ویژه روحانیت ۳۰

شوراهای حل اختلاف ۳۵

وظایف شورا های حل اختلاف ۳۶
شوراهای حل اختلاف تخصصی ۳۸
ترکیب و شرایط اعضای شورا ۳۹
صلاحیت شورا در صلح و سازش، درخواست مدعی و ارجاع مراجع ۴۰
اقدامات و تصمیمات شورا، گزارش اصلاحی و بایگانی پرونده ۴۲
موارد خارج از صلاحیت شورا ۴۳
ساختار و دادرسی دادگاه صلح ۴۴
صلاحیت دادگاه صلح ۴۶
سایر صلاحیت‌های حقوقی ۴۸
سایر دعاوی خاص ۴۸
صلاحیت کیفری دادگاه صلح ۴۹
دادرسی دادگاه صلح ۴۹
هزینه‌های دادرسی و معافیت‌ها ۵۲
راه‌های شکایت از آرای دادگاه صلح ۵۳
دیوان عالی کشور ۵۶
تشکیلات و ترکیب شعب دیوان عالی کشور ۵۶
هیأت عمومی دیوان عالی کشور و آراء وحدت رویه ۵۷
هیأت عمومی شعب حقوقی و آرای اصراری ۵۸
دادسرای دیوان عالی کشور (دادسرای کل) ۵۹
مهم‌ترین وظایف دیوان عالی کشور ۶۰
خلاصه فصل ۶۱

فصل دوم: مراجع شبه قضایی ۷۳
مقدمه ۷۳
تعریف مرجع شبه‌قضایی و عناصر سازنده آن ۷۴
صلاحیت مراجع شبه‌قضایی ۷۶

معیارهای تمایز مرجع قضایی، شبه‌قضایی و اداری ۷۸
اقسام مراجع شبه‌قضایی و فلسفه تقنین آن‌ها ۸۰
مراجع شبه‌قضایی اختصاصی اداری ۸۱
مراجع انتظامی اداری ۸۳
مراجع انضباطی صنفی و حرفه‌ای ۸۴
مراجع شبه‌کیفری ۸۵
مراجع شبه‌حقوقی ۸۶
مراجع اختصاصی اداری ۸۷
هیئت تشخیص قانون کار ۹۰
جایگاه و صلاحیت قانونی هیئت تشخیص ۹۰
حدود وظایف و اختیارات ۹۱
ساختار و ترکیب هیئت تشخیص ۹۱
شرایط عضویت و موارد سلب عضویت ۹۲
شیوه رسیدگی و آثار عدم حضور طرفین ۹۲
صدور رأی و مهلت اعتراض ۹۳
هیئت حل اختلاف قانون کار ۹۳
جایگاه تجدیدنظر و صلاحیت‌های اصلی ۹۳
ترکیب و ساختار هیئت حل اختلاف ۹۴
نحوه رسیدگی و مقررات شکلی ۹۴
صدور رأی و امکان اعتراض قضایی ۹۵
مراجع مالیاتی ۹۵
ماهیت، انواع و جایگاه مالیات در نظام حقوقی ۹۶
اصول حقوقی حاکم بر تشخیص و وصول مالیات ۹۷
شکل‌گیری اختلافات مالیاتی و مسیرهای حل اختلاف ۹۸
ساختار و صلاحیت هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی ۹۹
مرجع ویژه موضوع ماده ۲۵۱ مکرر ۱۰۰

اختلافات مرحله اجرا و کمیسیون موضوع ماده ۲۱۶ ..... ۱۰۰
مراجع و هیئت های شهرداری ۱۰۱
کمیسیون تبصره بند ۲۰ ماده ۵۵، مرجع رسیدگی به مشاغل مزاحم ۱۰۱
کمیسیون ماده ۷۷، مرجع اختلافات عوارض و بهای خدمات ۱۰۲
کمیسیون ماده ۹۹، مرجع تخلفات ساختمانی خارج از حریم شهر ۱۰۲
کمیسیون ماده ۱۰۰، مهم‌ترین کمیسیون شبه‌قضایی شهری ۱۰۳
سایر مراجع شبه‌قضایی مرتبط با شهرداری ۱۰۵
مراجع اراضی ملی ۱۰۶
فرآیند صدور برگ تشخیص و اعلام ملی بودن ۱۰۷
صلاحیت و رسیدگی به اعتراضات ۱۰۸
قانون ماده ۹ افزایش بهره‌وری (مصوب ۱۳۸۹) ۱۱۰
تشخیص اراضی موات و صلاحیت هیأت هفت نفره ۱۱۱
کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری ۱۱۱
مراجع ثبتی ۱۱۲
صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی در امور ثبتی ۱۱۲
صلاحیت اداره ثبت اسناد و املاک ۱۱۳
صلاحیت هیأت نظارت در امور ثبتی ۱۱۴
صلاحیت شورای عالی ثبت ۱۱۵
تمایز صلاحیت مراجع ثبتی و قضایی ۱۱۶
مراجع حل اختلاف گمرکی ۱۱۷
خلاصه فصل ۱۲۵

فصل سوم: دیوان عدالت اداری ۱۳۳
مقدمه ۱۳۳
تشکیلات و ارکان دیوان عدالت اداری ۱۳۴
شعب بدوی و تجدیدنظر ۱۳۴

هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی ۱۳۴
رئیس دیوان، واحد اجرای احکام و دفاتر استانی ۱۳۵
صلاحیت دیوان عدالت اداری ۱۳۵
صلاحیت شعب دیوان ۱۳۵
موارد خارج از صلاحیت دیوان ۱۳۶
اختلافات قراردادی ۱۳۶
اصول و تشریفات دادرسی در دیوان عدالت اداری ۱۳۷
اصلاح خواسته در دیوان عدالت اداری ۱۳۸
قرار رد شکایت به دلیل ایرادات شکلی ۱۳۹
استرداد دادخواست یا شکایت در دیوان عدالت اداری ۱۴۰
دعاوی طاری در دیوان عدالت اداری ۱۴۱
دعوای جلب ثالث ۱۴۱
دعوای ورود ثالث ۱۴۲
دعوای متقابل ۱۴۳
دستور موقت در دیوان عدالت اداری ۱۴۳
شکایت از آراء در دیوان عدالت ۱۴۴
تجدیدنظرخواهی از آرای دیوان عدالت اداری ۱۴۴
اعاده دادرسی در دیوان عدالت اداری ۱۴۵
اعتراض ثالث به آرای صادره در دیوان عدالت اداری ۱۴۸
خلاصه فصل ۱۴۹

کتابنامه: ۱۵۳

پیشگفتار

عدالت قضایی، در معنای حقیقی خود، نه در صدور رأی کـه در اجـرای آن و نـه در صلاحیت که در دسترسی به مرجع صالح معنا می‌یابد. سـالیان متمـادی اسـت کـه نظام حقوقی ایران با معماری پیچیده‌ای از مراجـع گونـاگون رسـیدگی بـه دعـاوی مواجه است؛ مراجعی که برخی در دل قوه قضاییه جای گرفته‌اند و برخـی دیگـر در ساختار اداری و حاکمیتی پراکنده شده‌اند. این کثـرت و تنـوع، اگرچـه از یـک سـو ناشی از تخصصی‌شدن دعاوی و ضرورت رسیدگی سریع و کارآمـد اسـت، از سـوی دیگر منشـأ سـردرگمی و اطالـه دادرسـی بـرای اصـحاب دعـوا و حتـی گـاه بـرای دانش‌آموختگان حقوق گردیـده اسـت. ضـرورت تـدوین یـک نقشـه راه منسـجم و روشنگر، که خواننده را از میـان پـیچ‌وخـم صـلاحیت‌هـا، سـاختارها و فرآینـدهای دادرسی در مراجع تخصصی مدنی، شبه‌قضـایی و اداری عبـور دهـد، انگیـزه اصـلی نگارش این کتاب بوده است.

آنچه پیش روی دارید، حاصل تـدریس، تحقیـق و مواجهـه عملـی بـا چـالش‌هـای دادرسی در مراجع گوناگون است. این کتاب بر آن نیست تا صرفاً به توصیف قـوانین

بپردازد یا فهرستی از مواد قانونی را بازگو کند؛ بلکه کوشیده است با رویکردی تحلیلی و ساختاری، منطق حاکم بر هر مرجع، مبانی صلاحیت آن، تشریفات رسیدگی و راه‌های اعتراض به آراء را به گونه‌ای تبیین کند که مخاطب بتواند پس از مطالعه، تصویری روشن از مسیر دادرسی پیش روی خود ترسیم نماید. از دادگاه خانواده و شوراهای حل اختلاف تا هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف قانون کار، از کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری تا هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و گمرکی، و از مراجع ثبتی تا دیوان عدالت اداری، همگی در این کتاب با نگاهی یکپارچه و بر پایه اصول مشترک حقوق عمومی و آیین دادرسی مورد کاوش قرار گرفته‌اند.

نوآوری اساسی این کتاب، که آن را از متون مشابه متمایز می‌سازد، بهره‌گیری از روش الگوریتمی در آموزش است. در این روش، هر مبحث به جای ارائه خطی و پراکنده، در قالب گام‌های منطقی و پرسش‌های متوالی بازتعریف شده است. خواننده نخست با یک مسئله یا وضعیت فرضی مواجه می‌شود، سپس با پرسش‌هایی گام‌به‌گام، عناصر صلاحیت، تشریفات و تصمیمات مرجع مربوطه را کشف می‌کند و در پایان، به درکی عمیق و ساختاریافته از فرآیند دادرسی دست می‌یابد. این شیوه، که برگرفته از اصول یادگیری مبتنی بر حل مسئله و تفکر انتقادی است، نه تنها حفظ طوطی‌وار قوانین را کاهش می‌دهد، بلکه توانایی تحلیل و استدلال حقوقی را در مواجهه با پرونده‌های واقعی تقویت می‌نماید.

نگارنده بر این باور است که شناخت دقیق «مرجع صالح» و «فرآیند صحیح دادرسی» پیش از هر اقدامی، حق مسلم هر شهروند و ضرورت حرفه‌ای هر فعال حقوقی است. بی‌توجهی به این شناخت، نه تنها موجب اطاله دادرسی و تحمیل

هزینه‌های بی‌جاست، بلکه گاه به صدور آرای باطل و تضییع حقوق اصحاب دعوا می‌انجامد. این کتاب تلاش دارد تا با ارائه ساختاری شفاف، الگوریتمی و کاربردی، این شناخت را برای قضات، وکلا، کارشناسان حقوقی، دانشجویان و همه دلبستگان به عدالت قضایی میسر سازد.

امید است این اثر، گامی هرچند کوچک در جهت شفاف‌سازی نظام دادرسی ایران و نزدیک‌تر کردن عدالت به دسترس شهروندان باشد. از همه اساتید، همکاران و خوانندگان ارجمند پیشاپیش برای راهنمایی و ارائه نظرات اصلاحی سپاسگزارم.

سیدنیما نوروزی (نوری) زنجانی

۱۴۰۴ خورشیدی – تهران

فصل اول:

مراجع قضایی در امور مدنی

مقدمه

منظور از «مراجع قضاوتی» در این بحث، صرفاً محاکم دادگستری به معنای اخص نیست، بلکه هر مرجعی است که به موجب قانون، مأمور رسیدگی و فصل خصومت شده باشد. از این منظر، مفهوم «قضاوت» در معنای عام فقهی و حقوقی آن فهم می‌شود؛ یعنی فصل خصومت بر اساس موازین قانونی. نخستین گام در رجوع به این مراجع، تشخیص مرجع صالح است و این امر نه‌تنها برای اصحاب دعوا، بلکه برای خود مرجع نیز واجب و مقدم بر ورود در ماهیت است. صلاحیت از اموری است که دادگاه مکلف است پیش از هرگونه اقدام ماهوی، آن را احراز کند و این الزام بر پایه قاعده جلوگیری از رسیدگی غیرصالح و صیانت از نظم دادرسی استوار است.

برای تشخیص صلاحیت، باید نخست بدانیم چه مراجعی برای رسیدگی به امور حقوقی تشکیل شده‌اند. از این رو بررسی «سازمان قضاوتی ایران» ضرورت می‌یابد. مقصود از این عنوان، مجموعه واحدهایی است که با همکاری دوایر اداری و قضایی وابسته، وظیفه رسیدگی به دعاوی، جرائم یا امور اختصاصی خود را برعهده دارند و در پایان نیز حسب مورد، رأی قضایی یا تصمیم اداری لازم صادر می‌کنند. بنابراین سازمان قضاوتی ایران، گستره‌ای فراتر از محاکم دادگستری دارد و علاوه بر مراجع قضایی، برخی مراجع اداری دارای صلاحیت شبه‌قضایی را نیز در بر می‌گیرد.

مراجع قضایی عمومی در امور مدنی

بر اساس قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و اصلاحیه ۱۳۸۱ و آیین‌نامه‌های مربوط، مراجع عمومی را می‌توان به دو دسته بزرگ «دادگاه‌های نخستین» و «دادگاه‌های تجدیدنظر» تقسیم کرد. دادگاه‌های نخستین، همان دادگاه‌های عمومی هستند که علی‌القاعده مرجع بدوی رسیدگی به دعاوی حقوقی، شکایات و سایر امور داخل در حدود صلاحیت خود محسوب می‌شوند. این دادگاه‌ها نقطهٔ آغاز دادرسی و مرجع اصلی رسیدگی ماهوی‌اند و ساختار و صلاحیت آن‌ها در نظام آیین دادرسی مدنی، نقش زیربنایی و تعیین‌کننده دارد.

در ادامه به مسائل این حوزه پرداخته می‌شود:

سازمان و ساختار تشکیلاتی دادگاه عمومی حقوقی

دادگاه عمومی حقوقی نهادی است که تشکیل آن طبق تشخیص رئیس قوۀ قضاییه صورت می‌گیرد و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب آن نیز در اختیار همان مقام است. تخصیص شعب به امور حقوقی یا جزایی، بنا بر مصالح قضایی، توسط رئیس قوۀ قضاییه یا مقامات مأذون از سوی وی انجام می‌شود. این دادگاه به‌طور اصولی با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی‌البدل تشکیل می‌گردد و اصل وحدت قاضی بر آن حاکم است. تمامی تحقیقات و اقدامات اداری و قضایی به وسیله رئیس یا دادرس علی‌البدل انجام می‌شود و دامنه اختیارات ایشان تفاوتی ندارد. اگرچه قاعده بر این است که دادرس علی‌البدل زمانی ایفای نقش کند که رئیس شعبه غایب یا معذور باشد، اما حضور هم‌زمان آنان در یک شعبه منع قانونی ندارد، به شرط آنکه پرونده‌ها تفکیک شود و هر یک نسبت به پرونده خود تمام اختیارات قانونی را دارا باشد. براساس قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷، در کنار هر شعبه، دفتری وجود دارد که زیر نظر رئیس شعبه اداره شده و کارکنان دفتری سایر امور ثبت و نگارش را انجام می‌دهند. از حیث صلاحیت ذاتی، دادگاه عمومی در تمام نقاط کشور ـ اعم از مراکز بخش یا شهرستان ـ از صلاحیت یکسان برخوردار است و تبصره ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی نیز تصریح دارد که تقسیم یک حوزه به ناحیه یا مجتمع تأثیری در صلاحیت عام دادگاه ندارد.

فقدان دادگاه در یک بخش یا شهرستان و تکلیف مرجع بالاتر

در صورتی که در مرکزی از یک بخش یا شهرستان، دادگاه عمومی تشکیل نشده باشد، رسیدگی به امور حقوقی مربوط به آن محل، حسب مورد، در نزدیک‌ترین

دادگاه عمومی همان استان انجام می‌شود. در خصوص بخش، نزدیک‌ترین دادگاه همان استان و در خصوص شهرستان، نزدیک‌ترین حوزه قضایی شهرستان تابع همان استان صالح به رسیدگی است. این قاعده بر پایه لزوم دسترسی ساکنان هر منطقه به مرجع قضایی استوار است و از ایجاد خلأ قضایی جلوگیری می‌کند.

جایگاه رئیس شعبه اول دادگاه عمومی و ساختار اداری حوزه قضایی

رئیس شعبه اول دادگاه عمومی در مرکز هر بخش، علاوه‌بر رسیدگی قضایی، دارای ریاست اداری بر سایر شعب است و دفتر شعبه نخست، دفتر کل دادگاه تلقی می‌شود. چنین شخصی رئیس حوزه قضایی محسوب شده و نظارت اداری بر کلیه دادگاه‌های عمومی موجود در آن بخش را برعهده دارد. در شهرستان‌هایی که مرکز استان نیستند، رئیس شعبه اول دادگاه عمومی به موجب قانون، رئیس دادگستری آن شهرستان است و بر همه دادگاه‌ها، دادسراها و واحدهای قضایی تابع نظارت اداری دارد. اما در شهرهای مرکز استان، رئیس دادگستری شهرستان وجود ندارد و رئیس شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان، صرفاً رئیس کل دادگاه‌های همان شهرستان است؛ در حالی که رئیس کل دادگستری استان، رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان خواهد بود و نظارت اداری بر تمام دستگاه قضایی آن استان دارد. رئیس کل دادگاه‌های شهرستان مرکز استان نیز می‌تواند، با تصویب رئیس قوه قضاییه، برخی اختیارات خود را نسبت به دادگاه انقلاب به رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب واگذار کند. همچنین رؤسای کل دادگستری‌ها و سرپرستان حوزه‌های قضایی می‌توانند با تصویب رئیس قوه قضاییه معاون داشته باشند.